



Investigating Barriers to the Development of Rural Women's Participation in Microcredit Funds in Kermanshah Province

Fateme Kooshki*¹ , Farahnaz Rostami² 

^{1,2} Ph.D. Graduate and Associate Professor of Agricultural Development, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Razi University, Kermanshah, Iran.

Article Info

Article Type:

Research article

Article History:

Received: 4 Jun. 2024

Revised: 7 Jul. 2024

Accepted: 23 Jul. 2024

Keyword:

Microcredits,
Rural women,
Participation,
Educational-cultural
barriers,
Economic inefficiency.

ABSTRACT

The microcredit fund serves as a mechanism to enhance the low participation rate of rural women in economic activities, addressing a critical gap in economic empowerment. The primary objective of this research was to identify barriers hindering women's involvement in rural microcredit funds. A descriptive-analytical methodology was employed, using data collected through a survey. The study focused on 415 rural women in Kermanshah County, with a sample of 160 determined using the Cochran formula. The research utilized a questionnaire as its primary data collection instrument, validated through insights from six professors in the Agricultural Promotion and Education Department at Razi University and feedback from 13 rural women participants. The reliability and internal consistency of the questionnaire were assessed using Cronbach's alpha, yielding a score of 0.87, indicating a high level of accuracy in the data collected. Data analysis, conducted using SPSS WIN23 software, revealed three main barrier components. The first, "educational-cultural barriers," accounted for 27.69% of the total variance. The second, "poor management and low efficiency," contributed 19.64%, while the third, "economic inefficiency," accounted for 15.06% of the variance. Collectively, these components explained 62.39% of the factors inhibiting the participation of women in microcredit funds. The findings carry significant theoretical and practical implications, providing valuable insights for policymakers. The study emphasizes the need for effective educational programs, improved management of rural women's microcredit funds, and strategic allocation of credits towards economically productive activities, all crucial for fostering entrepreneurship and enhancing economic participation among rural women.

Cite this article: Kooshki, F., & Rostami, F. (2024). Investigating barriers to the development of rural women's participation in microcredit funds in Kermanshah province. *The Quarterly Journal of Insurance & Agriculture*, 13(2), 1-15. <https://doi.org/10.22034/13.2.1>.

¹ **Email:** kooshki_fatemeh@yahoo.com (Corresponding Author)

² **Email:** f.rostami@razi.ac.ir



بررسی موانع توسعه مشارکت زنان روستایی در صندوق‌های اعتباری خرد شهرستان کرمانشاه

فاطمه کوشکی^{۱*}، فرحناز رستمی^۲ 

^۱ و ^۲ به ترتیب دانش‌آموخته دکتری و دانشیار توسعه کشاورزی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	صندوق اعتبارات خرد، سازوکاری در راستای بهبود وضعیت نرخ پایین مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی است. هدف اصلی این پژوهش بررسی موانع توسعه مشارکت زنان در صندوق‌های اعتباری خرد روستایی بود. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی بود و گردآوری داده‌ها به روش پیمایشی انجام شده است. کلیه اعضاء صندوق‌های اعتباری خرد شهرستان کرمانشاه، بر اساس اسناد موجود ۴۱۵ زن روستایی و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۱۶۰ نفر تعیین گردید. ابزار تحقیق پرسشنامه بود که روایی آن با استفاده از دیدگاه ۶ نفر از اساتید گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران و ۱۳ نفر از زنان روستایی مورد مطالعه، تأیید گردید. پایایی و انسجام داخلی مقیاس پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ($\alpha=0/87$) محاسبه شد که بیانگر مناسب بودن داده‌های جمع‌آوری شده بود. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS WIN ₂₃ تجزیه و تحلیل گردید. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل، متغیرها در سه مؤلفه دسته‌بندی شدند. مولفه اول تحت عنوان موانع آموزشی-فرهنگی با میزان ۲۷/۶۹ درصد از کل واریانس و مولفه‌های بعدی تحت عنوان "مدیریت ضعیف و کارایی پایین" و "ناکارآمدی اقتصادی" به ترتیب ۱۹/۶۴ و ۱۵/۰۶ درصد از کل واریانس و در مجموع ۶۲/۳۹ درصد از سازه‌های مربوط به عوامل بازدارنده مشارکت زنان عضو صندوق‌های اعتباری خرد را نشان می‌دهند. یافته‌های این پژوهش دستاوردهای نظری و کاربردی مناسب برای توسعه کارآفرینی در بین زنان روستایی به دنبال دارد؛ به گونه‌ای که ضمن غنی کردن ادبیات موضوع به سیاست‌گذاران کمک می‌کند با توجه بیشتر به بحث ارایه برنامه‌های آموزشی موثر، مدیریت کارآمدتر صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی و هدایت اعتبارات به سمت فعالیت‌های تولیدی-اقتصادی کارآمد در جهت توسعه کارآفرینی در بین زنان روستایی اقدام کنند.
تاریخچه مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲	
کلمات کلیدی: اعتبارات خرد، زنان روستایی مشارکت، موانع آموزشی - فرهنگی، ناکارآمدی اقتصادی.	
استناد: کوشکی، ف.، و رستمی، ف. ۱۴۰۳. بررسی موانع توسعه مشارکت زنان روستایی در صندوق‌های اعتباری خرد شهرستان کرمانشاه. فصلنامه بیمه و کشاورزی، ۱۳ (۲)، ۱-۱۵.	

* رابانامه نویسنده مسئول (فاطمه کوشکی): Email: kooshki_fatemeh@yahoo.com

مقدمه

در رویکردهای جدید توسعه به منظور توانمندی زنان روستایی به مثابه بزرگترین گروه محرومان بر کارآفرینی تأکید می‌شود (Mohamadi & Mohammad Sharifi, 2019). کارآفرینی فرآیندی است که نقش حیاتی در تداوم رشد و توسعه ملی و حتی اقتصاد جهانی ایفاء می‌کند (Mirghafoori & Zabihi, 2009). با توسعه کارآفرینی فرصت‌های اقتصادی جدید ظهور می‌یابد، کسب‌وکارهای جدیدی پدید می‌آید و کل اقتصاد جامعه شکوفا می‌شود. با این حال، پژوهش‌ها نشان می‌دهد زنان به دلیل عدم برخورداری از قابلیت‌ها و امکانات لازم بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند (Ghanbari, 2014) و به واسطه همین محدودیت‌ها از فرصت‌های کمتری در رشد و توسعه کارآفرینی برخوردار هستند. آمارها در ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی زنان در جهان بیانگر آن است که ۲۵ تا ۳۵ درصد کل فعالیت‌های اقتصادی جهان را زنان تشکیل می‌دهند، اما در ایران نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۱۳/۴ درصد می‌باشد و در شهرستان کرمانشاه این نرخ ۱۱ درصد می‌باشد (Women and Youth Entrepreneurship Development Foundation, 2016)، که با متوسط نرخ فعالیت اقتصادی زنان در جهان که به طور متوسط ۵۰ درصد است (World Bank Group, 2023)، فاصله زیادی دارد. از این رو، ایجاد زمینه‌های خودآگاهی، توانایی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان و برنامه‌ریزی به منظور جلب مشارکت آنها در فعالیت‌های مختلف ضروری است تا زمینه توانمندی زنان روستایی فراهم شود. به نظر می‌رسد انجام پژوهش‌هایی با هدف شناسایی موانع توسعه کارآفرینی در میان زنان از اهمیت بالایی برخوردار است. در این میان با توجه به این که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، زنان از حقوق اقتصادی و دسترسی به منابع مالی هم سطح مردان برابر برخوردار نیستند، لذا، یکی از علل تفاوت میزان پایین مشارکت اقتصادی زنان در عرصه اجتماع همین امر است (Epo, 2022). در این راستا، طرح‌های مختلفی برای حمایت مالی زنان به منظور راه‌اندازی کسب‌وکارها در کشورهای مختلف اجرا شده است. در این خصوص، طرح صندوق‌های اعتبارات خرد به عنوان راهبردی در توسعه اقتصادی با هدف دسترسی زنان کم‌درآمد به منابع اعتباری، برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنها در کشور ما نیز با الگوگیری از طرح گرامین بانک بنگلادش در سال ۱۳۷۹ به صورت آزمایشی در دو استان مازندران و کرمانشاه اجرا شد (Anabistani et al, 2019). اکنون پس از گذشت سال‌ها از راه‌اندازی این صندوق‌ها در استان کرمانشاه با هدف تأمین مالی زنان روستایی این منطقه برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه، به علت عدم توسعه مشارکت قابل قبول فعالیت‌های صندوق‌های اعتبارات خرد، این مطالعه بر آن است تا موانع توسعه مشارکت در بین زنان روستایی عضو این صندوق‌ها را شناسایی کند. نتایج این مطالعه می‌تواند بستری را برای بالا بردن نرخ مشارکت اقتصادی زنان به واسطه شناسایی موانع توسعه مشارکت در بین زنان روستایی شهرستان کرمانشاه را فراهم نماید. تعیین نخستین دهه سازمان ملل (۲۰۰۶-۱۹۹۷) برای فقرزدایی، نقش اعتبارات خرد در کاهش فقر، توسعه روستایی و عنایت به اهداف توسعه هزاره و تعیین سال ۲۰۰۵ به عنوان سال اعتبارات خرد همگی حاکی از اهمیت فراوانی است که اعتبارات خرد در این رابطه می‌تواند داشته باشد (Baransdma & Haret, 2020). به طور کلی، انقلاب تأمین مالی و اعتبارات خرد فرآیندی است که حدود سه دهه است که در سطح جهان معرفی شده و گشایش قابل ملاحظه‌ای برای اقشار پائین جامعه ایجاد نموده است، از این رو، افزایش و بهبود مشارکت زنان در

فعالیت‌های اقتصادی، از عمده‌ترین اهداف بسیاری از سازمان‌های دولتی از جمله دفتر مشارکت و امور زنان وزارت جهادکشاورزی در قالب آرایه طرح‌هایی چون طرح صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی و غیره را می‌توان نام برد. در همین راستا، یکی از شاخص‌های اصلی نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی، جایگاه مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آنان در ساختارهای اقتصادی است. گزارش‌های بانک جهانی و تجارب سازمان‌های دست‌اندرکار در زمینه بهبود جایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان به‌ویژه در مناطق روستایی حاکی از آن است که مشارکت زنان روستایی در زمینه‌های اقتصادی پیش‌نیاز توانمندسازی و مشارکت همه‌جانبه آن‌ها در برنامه‌های توسعه روستایی است و متأسفانه هنوز در جوامع مختلف به دلایل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تعادل مطلوب و قابل قبولی در امر مشارکت عادلانه زنان روستایی در جهت توسعه و بروز خلاقیت‌ها و استعدادهای آن‌ها برقرار نشده است (Baransdma & Haret, 2020). در این راستا، مطالعات نشان داده که برنامه‌های اعتبارات خرد عموماً در کاهش فقر مؤثر بوده و توانسته به بهبود وضعیت تحصیلی و تغذیه‌ای کودکان منجر شود که این اهداف و برنامه‌ها کاملاً در راستای فرآیند توسعه روستایی می‌باشند (Khandker, 2015; Kabeer, 2018). لازم به یادآوری است که تشکلهای داوطلبانه مردمی هم در این زمینه بسیار فعال بوده و کمک مؤثری نموده‌اند (Baransdma & Haret, 2020; Siebel, 2001; FAO, 2016). همچنین، نزدیک به سه دهه است که تأمین مالی خرد به‌عنوان یکی از ابزارها و روش‌های توسعه اقتصادی برای اقشار پائین جامعه به‌خصوص زنان روستایی مورد استفاده قرار گرفته و تقریباً در اغلب کشورهای جهان رایج شده است، به‌طوری‌که بانک جهانی نشریه‌ای تحت عنوان انقلاب تأمین مالی خرد انتشار داده است (Khandker, 2015). سازمان غیردولتی زنان الگا قرقیزستان در سال ۱۹۹۵ توسط زنان روستایی منطقه ایسیک-آتا پی‌ریزی شد که هدف اصلی، بهبود وضعیت زنان، رشد آگاهی، مشارکت در روند بازسازی و مساعدت به اقشار فقیر و محروم بود. در این انجمن، هرگونه کمک ممکن، اطلاع‌رسانی، آموزش و آرایه اعتبارات خرد به فرایند توسعه، کسب حقوق اجتماعی و بالاخره رشد اقتصادی آنان بسیار مهم و اثرگذار تلقی می‌شود (Sultanva, 2019). در برنامه اعتبارات خرد مالزی، در کنار آموزش‌های رسمی، آموزش‌های غیررسمی نیز برای ارتقاء آگاهی، مشارکت و توانمندسازی زنان روستایی در نظر گرفته شده است و در این برنامه با اعطای وام همراه است وام تنها به زنان تعلق می‌گیرد (Pruitt, 2019). دسترسی زنان به اعتبارات، منجر به افزایش سطح درآمد زنان، دسترسی به شبکه‌های اطلاعات و بازار، ارتقاء جایگاه زنان در مشارکت اقتصادی خانواده، افزایش مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌های خانوار و بهبود دیدگاه عمومی زنان در مورد نقش زنان در خانواده و جامعه می‌گردد و به این ترتیب مشارکت زنان در تصمیم‌گیری در نهادهای اجتماعی - سیاسی و حتی در خانواده ارتباط مستقیمی با مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی دارد (Khandker, 2015). مطالعات (Westover, 2018)، در زمینه بررسی و اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد که در مناطق کشورهای مختلف با هدف کاهش فقر در روستاها اجرا شده، نشان دهنده اثر معنادار اعتبارات تخصیص داده شده در خصوص وضعیت اقتصادی زنان روستایی است.

Sanyang, & Chi Huang (2018) در مطالعه‌ای به بررسی موانع توسعه اعتبارات خرد و ارتقاء نقش گروه‌های

زنان جهت کاهش فقر در روستاهای گامبیا پرداخته و نتایج تحقیقات آنان حاکی از آن است که توانمندسازی و

حمایت زنان روستایی با رهیافت اعتبارات خرد مستلزم اجرای سیاست‌ها و راهبردهای حمایتی گروه‌های زنان در روستاها است. کمیسیون اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل در آسیا و اقیانوس آرام هدف از ارایه اعتبارات خرد به روستائیان را کاهش فقر، ایجاد اشتغال، کسب درآمد، توسعه اقتصادی-اجتماعی، افزایش خوداتکایی، خوداشتغالی و عزت نفس می‌داند و به دنبال آن بهداشت و تغذیه و سطح سواد فقرا، زنان و بچه‌ها بالا می‌رود و این توانمندی اقتصادی در درازمدت به توانمندی سیاسی، اجتماعی و حقوقی از طریق توسعه و تقویت گروه‌های زنان، کودکان و فقرا به عنوان توان بالقوه‌ای در توانمندسازی مالی کمک می‌کند (Azkia & Kabeer, 2018; Annual Report, 2018; Eimani, 2005). Pruitt (2019) نیز در مطالعه‌ای حقوق مسلم زنان روستایی را، در ۱۴ مورد طبقه‌بندی می‌کند که از جمله آن دسترسی زنان روستایی به اعتبار می‌باشد. (Schuoler & Hashemi (1994) در بنگلادش به مقایسه نمونه‌ای از زنان عضو بانک گرامین با زنان غیرعضو پرداختند تا تعیین کنند که آیا مشارکت در برنامه اعتباردهی توانسته است موجب توانمندسازی زنان شود یا خیر، در این مطالعه، توانمندسازی زنان به‌عنوان عاملی مؤثر در امنیت اقتصادی بوده و باعث افزایش میزان مشارکت زنان شده است و بر وضعیت آنان نیز تأثیر مثبتی به جا گذاشته است. در نهایت برنامه‌های اعتباری خرد زنان به عنوان یک راه حل کلیدی توأم با مشارکت زنان برای فقرزدایی و توانمندسازی زنان مورد توجه قرار گرفته است. دسترسی به اعتبارات از طریق توانمند کردن زنان باعث حذف موانع فردی و اجتماعی و در نهایت فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت اقتصادی و اجتماعی برای زنان در تمامی زمینه‌ها می‌شود.

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در مورد کارآفرینی زنان روستایی از طریق صندوق‌های اعتبارات خرد صورت گرفته است. اما مطالعاتی در خصوص موانع توسعه مشارکت زنان روستایی در صندوق‌های اعتبارات خرد نیز باید انجام شود تا بتوان درک کرد که چرا با گذشت سال‌ها از شروع اجرای این برنامه هنوز موفقیت قابل توجهی کسب نشده است. لذا هدف این تحقیق بررسی موانع مشارکت زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد در استان کرمانشاه می‌باشد تا با شناسایی این موانع گام مهمی برای سوق دادن زنان روستایی این استان در خصوص توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه برداشته شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر پارادایم از نوع تحقیقات کمی؛ از لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات میدانی است. همچنین، از نظر کنترل متغیرها از نوع تحقیقات غیرآزمایشی و تک مقطعی است. از نظر روش‌شناسی نیز به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق، شامل ۴۱۵ نفر از زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتباری خرد شهرستان کرمانشاه است که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب و نیز برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۱۶۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند (جدول ۱). ابزار تحقیق در دو بخش شامل ویژگی‌های فردی و اجتماعی زنان و عوامل و موانع توسعه مشارکت زنان عضو بوده است که اعتبار محتوایی پرسشنامه با استفاده از دیدگاه ۶ نفر از اساتید گروه

ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران و ۱۳ نفر از زنان روستایی ۱۳ روستای مورد مطالعه تأیید گردید.

جدول ۱ - جامعه و نمونه آماری به تفکیک هر صندوق

شماره صندوق	نام روستا	جمع کل اعضاء صندوق	تعداد نمونه ها به تفکیک صندوق (انتساب متناسب نمونه ها در بین صندوق ها)
صندوق ۱	سراب کریان	۲۵	۱۰
صندوق ۲	وینه	۳۰	۱۱
صندوق ۳	قره تپه	۲۳	۹
صندوق ۴	گراوند	۳۱	۱۲
صندوق ۵	کوسه وند	۲۸	۱۱
صندوق ۶	ریزوند ۲	۶۰	۲۲
صندوق ۷	قباق تپه	۳۱	۱۳
صندوق ۸	نوجوب ۱	۳۳	۱۳
صندوق ۹	نوجوب ۲	۳۱	۱۲
صندوق ۱۰	نوجوب ۳	۳۲	۱۲
صندوق ۱۱	چله	۲۷	۱۱
صندوق ۱۲	سرونو	۳۵	۱۳
صندوق ۱۳	هلشی	۲۹	۱۱
جمع کل		۴۱۵	۱۶۰

منبع: یافته‌های تحقیق

جهت تعیین پایایی پرسشنامه نیز تعداد ۳۰ پرسشنامه بین اعضاء صندوق توزیع گردید. ضریب اعتبار کرونباخ آلفا، ۰/۸۶ محاسبه گردید که نشان می‌دهد پرسشنامه از پایایی مناسبی برخوردار بوده است. به منظور تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. در این تحقیق، هدف از کاربرد تحلیل عاملی، مشخص کردن موانع و عوامل بازدارنده مشارکت زنان روستایی در صندوق‌های اعتبارات خرد از دیدگاه اعضاء و تعیین مقدار واریانس تبیین شده توسط هر کدام از متغیرها در قالب عامل‌های دسته‌بندی شده می‌باشد. در تحقیق حاضر، از تحلیل عاملی نوع اکتشافی با رویکرد تعیین متغیرهای معنی‌دار در هر کدام از عامل‌های تعیین شده در چارچوب نظری تحقیق استفاده شد. به طور کلی در راستای انجام تحلیل عاملی در این تحقیق، مراحل زیر طی شده است:

تعیین و تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی با استفاده از آماره KMO و بارتلت صورت گرفت. در این تحقیق، با توجه به مقادیر KMO به دست آمده در سطح خوب، می‌توان گفت که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بوده‌اند. یکی از موارد مهم در تحلیل عاملی، تعیین تعداد عامل‌های قابل استخراج است. اگرچه مبنای کمی

دقیقی برای تصمیم‌گیری در مورد تعداد عامل‌های استخراجی ارائه نشده است، اما ضوابطی وجود دارد که در تصمیم‌گیری برای تعیین تعداد عاملی‌های استخراجی، از آن‌ها استفاده می‌شود. این معیارها عبارتند از:

۱- معیار مقدار ویژه؛

۲- معیار پیشین؛

۳- معیار درصد واریانس؛ و

۴- معیار تست بریدگی^۱ (Kalantari, 2015). در پژوهش حاضر از معیار مقدار ویژه استفاده شد و مقادیر بالاتر از ۰/۵ مورد تایید قرار گرفت.

در این تحقیق، با توجه به اکتشافی بودن نوع تحلیل عاملی و نیز به منظور مشخص شدن میزان درستی عوامل در نظر گرفته شده برای معیار عوامل مؤثر بر مشارکت، متغیرها در سه عامل دسته‌بندی شدند. در تحلیل عاملی، منظور از چرخش، چرخاندن محورهای عامل حول مرکز مختصات است. چرخش را موقعی انجام می‌دهند که تفسیر عامل‌ها به سادگی ممکن نباشد. بنابراین، به منظور ساده‌سازی ساختار عامل‌ها و تفسیرپذیری آن‌ها، از چرخش عاملی استفاده می‌شود. روش‌های متعددی برای چرخش عامل‌ها وجود دارد که در این تحقیق از روش واریماکس استفاده شد و متغیرهایی که بار عاملی آن‌ها بزرگ‌تر از ۰/۵ بود، به عنوان بارهای عاملی معنی‌دار استخراج شدند.

یافته‌ها و بحث

۱- یافته‌های توصیفی زنان عضو صندوق‌های اعتباری خرد شهرستان کرمانشاه

یافته‌های تحقیق نشان داد، زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتباری خرد در محدوده سنی ۱۴ تا ۶۰ سال قرار داشتند و میانگین سن اعضاء ۳۱ سال بود. از لحاظ تحصیلات، بیشترین درصد فراوانی (۴۶/۴ درصد) مربوط به اعضاء با سطح سواد ابتدایی و خواندن-نوشتن بود و افراد با تحصیلات راهنمایی و متوسطه و تحصیلات دیپلم و بالاتر و بی سواد به ترتیب با ۲۵/۷ درصد، ۱۷/۵ درصد، ۱۰/۶ درصد در رده‌های بعدی قرار داشتند. براساس اطلاعات جمع‌آوری شده، توزیع پاسخگویان براساس وضعیت تأهل بیانگر آن است که ۳۱/۳۳ درصد اعضاء مجرد و ۶۸/۶۷ درصد متأهل هستند. از لحاظ مدت زمان عضویت در صندوق، میانگین مدت زمان عضویت ۲۴ ماه، بیشترین و کمترین مدت زمان عضویت نیز به ترتیب ۴۸ ماه و یک ماه بوده است. همچنین قابل ذکر است که ۸۷ درصد پاسخگویان بین ۱۰ تا ۴۸ ماه سابقه عضویت در صندوق دارند. بررسی میزان وام‌های دریافت شده توسط اعضاء نشان می‌دهد که ۶۵/۶ درصد از زنان یک بار، ۲۰/۶ درصد دوبار و ۱۰/۶ درصد نیز سه بار وام دریافت کرده‌اند. در مجموع بالغ بر ۹۵ درصد اعضاء از صندوق وام دریافت کرده‌اند و تنها کمتر از ۳/۲ درصد وامی دریافت نکرده‌اند. یافته‌های تحقیق در زمینه فعالیت‌های درآمدزا زنان بعد از دریافت وام نشان می‌دهد که فعالیت‌های کشاورزی و دامی ۲۰/۶ درصد، پرورش طیور ۵/۶ درصد، خیاطی و هنرهای دستی ۸/۸ درصد، قالیبافی ۳۱ درصد، آرایشگری ۳۱/۵ درصد و پرورش قارچ ۲/۵ درصد می‌باشد.

۱- این معیار تعداد منا سب عامل‌ها را بر مبنایی تعیین می‌کند که هنوز میزان واریانس خاص بر واریانس مشترک غلبه نکرده است. بنابراین تا زمانی که مقدار واریانس مشترک بیشتر از مقدار واریانس خاص باشد، عامل‌های فوق به عنوان عامل‌های معنی‌دار استخراج و تجزیه و تحلیل می‌شوند.

برای ارزیابی اثر و عملکرد صندوق بر ایجاد اشتغال، به مقایسه فعالیت‌های زنان قبل و بعد از دریافت وام پرداخته شده است. قبل از دریافت وام ۸۳/۷ درصد از زنان هیچ‌گونه فعالیت درآمدزایی نداشته‌اند اما بعد از عضویت و دریافت وام این میزان به ۵۵ درصد کاهش یافته است (جدول ۲).

جدول ۲- آمار توصیفی جامعه مورد مطالعه

ویژگی‌های توصیفی	گروه بندی	فراوانی	درصد	کمینه	بیشینه	میانگین	نما
گروه‌های سنی (سال)	۱۴-۲۸	۲۳	۱۴/۳۷	۱۴	۶۰	۳۱	
	۲۸-۴۰	۵۲	۳۲/۵				
	۴۰-۵۲	۷۰	۴۳/۷				
	۵۲-۶۰	۱۵	۹/۴۳				
	جمع کل	۱۶۰	۱۰۰				
وضعیت تأهل	مجرد	۵۱	۳۱/۳۳				متأهل
	متأهل	۱۰۹	۶۸/۶۷				
	جمع کل	۱۶۰	۱۰۰				
مدت زمان عضویت (ماه)	۱-۱۰	۲۱	۱۳	۱	۴۸	۲۴	
	۱۰-۴۸	۱۳۹	۸۷				
	جمع کل	۱۶۰	۱۰۰				
تعداد دفعات دریافت وام (بار)	عدم دریافت وام	۵	۳/۲				۱ بار
	۱ بار	۱۰۵	۶۵/۶				
	۲ بار	۳۳	۲۰/۶				
	۳ بار	۱۷	۱۰/۶				
	جمع کل	۱۶۰	۱۰۰				
فعالیت‌های درآمدزا زنان بعد از دریافت وام	کشاورزی و دامی	۳۳	۲۰/۶				قالی‌بافی و آرایش‌گری
	پرورش طیور	۹	۵/۶				
	خیاطی و هنرهای دستی	۱۳	۸/۸				
	قالی‌بافی	۵۰	۳۱				
	آرایش‌گری	۵۱	۳۱/۵				
	پرورش قارچ	۴	۲/۵				
	جمع کل	۱۶۰	۱۰۰				
داشتن یا نداشتن فعالیت درآمدزا قبل از دریافت وام	داشتن فعالیت درآمدزا قبل از دریافت وام		۱۶/۳	۸۳/۷			نداشتن فعالیت درآمدزا قبل از دریافت وام
	نداشتن فعالیت درآمدزا قبل از دریافت وام		۸۳/۷				
	جمع کل	۱۶۰	۱۰۰				

منبع: یافته‌های تحقیق

۲- تحلیل همبستگی متغیرهای فردی با میزان مشارکت زنان در صندوق‌های اعتباری خرد

به‌منظور سنجش همبستگی بین متغیرهای سن، میزان تحصیلات، مدت عضویت در صندوق و تعداد وام‌های

دریافتی با میزان مشارکت، ابتدا سازه مشارکت از طریق طراحی ۵ گویه (میزان شرکت در جلسات توجیهی صندوق، میزان شرکت در کلاس‌های آموزشی صندوق، میزان تشویق زنان دیگر روستا برای جلب سرمایه‌گذاری و عضویت در صندوق، میزان تمایل به عضویت در هیات مدیره صندوق و میزان تمایل به باز نشر آموزش‌های صندوق به سایر زنان روستایی)، در سطح شبه‌فاصله‌ای اندازه‌گیری شد و سپس میزان همبستگی‌ها از طریق آزمون‌های پیرسون و اسپیرمن محاسبه شد. یافته‌های تحقیق مطابق با جدول (۳) نشان می‌دهد که بین متغیرهای مدت زمان عضویت زنان در صندوق و تعداد وام‌های دریافتی از صندوق با میزان مشارکت رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح یک درصد وجود دارد. این یافته تحقیق حاکی از آن است که زنان روستایی که سابقه عضویت کمتری در صندوق داشته و همچنین تعداد وام‌های کمتری دریافت کرده‌اند، میزان مشارکت کمتری نسبت به سایر زنان عضو داشتند. قابل ذکر است مطابق با یافته‌های تحقیق هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری بین متغیرهای سن و میزان تحصیلات اعضاء با میزان مشارکت اعضاء مشاهده نشده است.

جدول ۳- ضرایب همبستگی متغیرهای فردی با میزان مشارکت زنان در صندوق‌های اعتباری خرد زنان روستایی

ردیف	متغیر	نوع مقیاس	نوع آزمون	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
۱	سن (سال)	نسبی	پیرسون	-۰/۰۱۰	۰/۹۰۵
۲	میزان تحصیلات (ابتدایی، ...)	ترتیبی	اسپیرمن	-۰/۰۵۱	۰/۵۲۷
۳	مدت عضویت در صندوق (سال)	نسبی	پیرسون	۰/۴۷۹**	۰/۰۰۰
۴	تعداد وام‌های دریافتی (بار)	نسبی	پیرسون	۰/۲۲۰**	۰/۰۰۶

** سطح معنی‌داری یک درصد

منبع: یافته‌های تحقیق

۳- تحلیل عاملی موانع مشارکت زنان روستایی عضو در صندوق اعتباری خرد

به‌منظور کاهش تعداد متغیرهای تحقیق به عوامل کمتر و تعیین سهم هر یک از عامل‌ها به‌عنوان موانع مشارکت و فعالیت زنان عضو، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد. محاسبات انجام شده نشان داد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی مناسب بوده ($KMO=0/879$) و آماره بارتلت^۱ نیز در سطح یک درصد معنی‌دار بود که دلالت بر تأیید انجام تحلیل عاملی دارد. در این بررسی با توجه به ملاک کی‌سر^۲ سه عامل که دارای مقدار ویژه^۳ بالاتر از یک بودند، استخراج شد که نتیجه در جدول (۴) به‌همراه مقدار ویژه و درصد واریانس مربوطه ذکر شده است. روش‌های متعددی برای چرخش عامل‌ها وجود دارد که در این تحقیق از چرخش عاملی به روش وریماکس استفاده شد و که متغیرهایی که بار عاملی آن‌ها بزرگتر از ۰/۵۰ بود به‌عنوان بارهای عاملی معنی‌دار استخراج گردید و در نهایت، در سه عامل دسته‌بندی و نامگذاری گردید.

1. Bartlett Test

2. Kaiser criteria

3. Eigen value

جدول ۴- مقدار آماره KMO و آزمون بارتلت

تحلیل عاملی	KMO	Bartlet Test	Sig
عوامل بازدارنده و موانع مشارکت زنان عضو در صندوق	۰/۸۷۹	۲۵۶/۸۹	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس جدول (۵)، مقدار واریانس تجمعی تبیین شده توسط این سه عامل ۶۲/۳۹ درصد بوده و مطابق با جدول (۵) موانع آموزشی - فرهنگی به عنوان مهم‌ترین عامل و مانع مشارکت اعضاء در صندوق‌های اعتباری به شمار می‌آید که ۲۷/۶۹ درصد واریانس کل را تبیین می‌کند. بیشترین مقدار ویژه ۲/۸۲۵ مربوط به موانع آموزشی - فرهنگی بوده که برابر با واریانس تبیین شده توسط این مؤلفه است.

جدول ۵- عامل‌های استخراج شده از تحلیل عاملی، تعیین موانع مشارکت زنان در صندوق اعتباری خرد

ردیف	نام عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	موانع آموزشی - فرهنگی	۲/۸۲۵	۲۷/۶۹	۲۷/۶۹
۲	مدیریت ضعیف و کارایی پایین	۲/۶۳۵	۱۹/۶۴	۴۷/۳۳
۳	ناکارآمدی اقتصادی صندوق	۲/۰۲۶	۱۵/۰۶	۶۲/۳۹

منبع: یافته‌های تحقیق

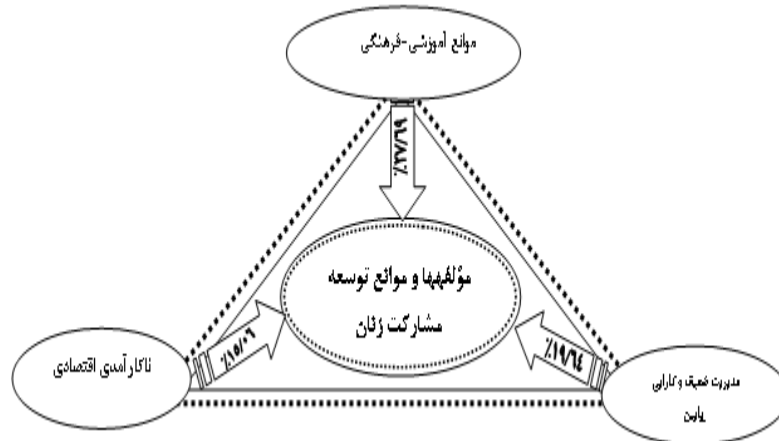
پس از چرخش عاملی به روش واریماکس، متغیرهای تحقیق در سه عامل دسته‌بندی شدند (جدول ۶).

جدول ۶- عامل‌های استخراج شده، سازه‌ها و موانع بازدارنده مشارکت زنان در صندوق اعتباری همراه با بار عاملی

مؤلفه	متغیرها	بار عاملی
موانع آموزشی - فرهنگی	بیسواد بودن و پایین بودن سطح آگاهی عمومی	۰/۸۴۱
	نداشتن آگاهی از شرایط عضویت	۰/۷۳۲
	نگرش منفی نسبت به فعالیت زنان در بیرون از منزل	۰/۶۴۰
	اطلاع رسانی ضعیف در مورد خدمات صندوق	۰/۶۱۲
مدیریت ضعیف و کارایی پایین	برخورد نامناسب مسئول صندوق	۰/۹۰۲
	ناکارآمد بودن صندوق	۰/۷۴۲
	عدم پذیرش از طرف اعضاء	۰/۶۰۷
	قبول نداشتن هیأت مدیره	۰/۵۸۲
ناکارآمدی اقتصادی صندوق	کم بودن مبلغ وام پرداختی	۰/۷۵۱
	کم بودن میزان سرمایه صندوق	۰/۶۸۰
	کم بودن سهم اعضاء در صندوق	۰/۵۹۵

منبع: یافته‌های تحقیق

شکل (۱) مؤلفه‌های باردارنده مشارکت زنان روستایی را به همراه مقادیر تبیین کننده روستایی را نشان داده است.



شکل ۱- مؤلفه‌های باردارنده مشارکت زنان در صندوق‌های اعتباری خرد به همراه درصد تشکیل دهنده آن‌ها

مؤلفه اول: موانع آموزشی- فرهنگی: چهار متغیر تشکیل دهنده مؤلفه اول به ترتیب مقدار بار عاملی (سهم متغیر در تشکیل عامل) عبارتند از: بیسواد بودن، نداشتن آگاهی از شرایط عضویت، اطلاع‌رسانی ضعیف در مورد خدمات صندوق و پایین بودن آگاهی عمومی. این متغیرها در مجموع ۲۷/۶۹ درصد از واریانس کل موانع توسعه مشارکت زنان روستایی شهرستان کرمانشاه در صندوق‌های اعتبارات خرد را تبیین کردند. با توجه به ماهیت متغیرهای تأثیرگذار که مؤلفه اول را می‌سازند، مؤلفه اول به نام موانع آموزشی- فرهنگی نامگذاری شد. این موانع باعث شده است زنان مشارکت کمتری در فعالیتهای کارآفرینانه ارایه شده از سوی صندوق‌های اعتبارات خرد در روستاهای شهرستان کرمانشاه داشته باشند. این بخش از نتایج با نتایج پژوهش‌های؛ Ahmadvand & Sharifzadeh, 2011; Rezaei & Vedadi, 2021; Anabistani et al., 2019 هم‌راستا می‌باشد.

مؤلفه دوم: مدیریت ضعیف و کارایی پایین: چهار متغیر تشکیل دهنده مؤلفه دوم به ترتیب مقدار بار عاملی (سهم متغیر در تشکیل عامل) عبارتند از ناکارآمد بودن صندوق، برخورد نامناسب مسئول صندوق، عدم پذیرش از طرف اعضاء و قبول نداشتن هیأت مدیره از سوی زنان روستایی. این متغیرها در مجموع ۴۷/۳۳ درصد از واریانس کل موانع توسعه مشارکت زنان روستایی شهرستان کرمانشاه در صندوق‌های اعتبارات خرد را تبیین کردند. به عبارتی، ۴۷/۳۳ درصد از موانع توسعه مشارکت زنان در صندوق‌های اعتبارات خرد مربوط به ضعف مدیریت و کارایی پایین صندوق‌ها است. با توجه به ماهیت متغیرهای تأثیرگذار که مؤلفه دوم را می‌سازند، مؤلفه دوم بنام مؤلفه مدیریت ضعیف و کارایی پایین نام‌گذاری گردید. بسیاری از محققان نیز در مطالعات خود، مشابه یافته‌های پژوهش حاضر به تأثیر معنادار عوامل مدیریتی در راستای جلب اعتماد و مشارکت زنان در فعالیتهای کارآفرینانه اذعان دارند (Mehdizadeh et al., 2020; Khoshmaram et al., 2017; Moghimi Esfandabadi et al., 2016).

مؤلفه سوم: ناکارآمدی اقتصادی: چهار متغیر تشکیل دهنده مؤلفه سوم به ترتیب مقدار بار عاملی (سهم متغیر در تشکیل عامل) عبارتند از: کم بودن سهم اعضاء در صندوق، کم بودن مبلغ وام پرداختی، کم بودن میزان سرمایه صندوق. این متغیرها در مجموع ۶۲/۳۹ درصد از واریانس کل موانع توسعه مشارکت زنان روستایی استان کرمانشاه در صندوق‌های اعتبارات خرد را تبیین کردند. به عبارتی، ۶۲/۳۹ درصد از موانع توسعه مشارکت زنان در

صندوق‌های اعتبارات خرد مربوط به ناکارآمدی اقتصادی صندوق‌ها است. با توجه به ماهیت متغیرهای تأثیرگذار که مؤلفه سوم را می‌سازند، مؤلفه سوم بنام مؤلفه ناکارآمدی اقتصادی نام‌گذاری گردید. نتایج این تحقیق با تحقیقات (Handy et al, 2024)، در روستاهای بنگالدش و نیز (Kaaria et al, 2016) در نیکارا گونته همسویی دارد، زیرا طبق نتایج پژوهش آنان، اعتبارات خرد تأثیر کمی بر توانمندسازی اقتصادی و رفاهی زنان روستایی منطقه داشته است.

نتیجه‌گیری

علی‌رغم آن که مشارکت زنان در راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه در سراسر جهان روبه‌روز در حال افزایش است (Agarwal & Lenka, 2016; Corno et al., 2014; Dhekale, 2016)، بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد زنان کارآفرین به‌طور قابل توجهی کمتر از مردان است. (Othman & Nasrudin, 2016; Tripathi et al., 2019) این موضوع خصوصاً در اقتصادهای در حال توسعه بیشتر به چشم می‌خورد، به‌گونه‌ای که گزارش‌های مرکز آمار در خصوص نرخ مشارکت در فعالیتهای اقتصادی نشان می‌دهد؛ اگرچه نرخ مشارکت اقتصادی مردان و زنان طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۴۰۰ روند افزایشی داشته، لکن نرخ مذکور برای مردان در طی این دوره، به‌طور متوسط تقریباً ۶۳/۷ درصد بوده است، در حالی که برای زنان ۱۴/۳ درصد است. به بیان دیگر، از هر ۱۰۰ زن بالای ۱۰ سال سن، حدود ۱۴ نفر در فعالیتهای اقتصادی مشارکت دارند. پایین بودن نرخ مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی موجب شده نرخ کارآفرینی زنان پایین‌تر از مردان باشد (Shariati & et al., 2021). این در حالی است که بدون جلب مشارکت زنان در راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، دستیابی به اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ و رسیدن به پتانسیل کامل اقتصادی و اجتماعی برای کشورهای در حال توسعه چالش‌برانگیز خواهد بود. (World Bank Group, 2016) به‌همین دلیل است که از دیدگاه محققان، نقطه آغازین شروع یک کسب و کار، تشخیص موانع توسعه مشارکت است (Ozgen & Baron, 2021; Shane & Nicolaou, 2018). نتایج پژوهش حاضر نشان داد؛ محدودیتهای آموزشی - فرهنگی، مدیریت ضعیف و کارایی پایین و ناکارآمدی فعالیتهای مرتبط با صندوق‌های اعتبارات خرد از مهم‌ترین موانع توسعه مشارکت زنان روستایی در صندوق‌های اعتبارات خرد شهرستان کرمانشاه می‌باشند. با توجه به مباحث مطرح شده، پیشنهادهای زیر آرایه می‌گردد:

۱- مطابق با یافته‌های تحقیق ۵۶/۹ درصد یعنی نیمی از زنان روستایی عضو در وضعیت کم‌سواد یا بی‌سواد به سر می‌برند. این مسئله لزوم توجه بیشتر به برگزاری کلاس‌های آموزشی و توجیهی توسط صندوق اعتبارات خرد جهت افزایش آگاهی و مشارکت اعضاء را می‌رساند. لذا، آموزش‌های ترویجی و نیز صنایع دستی و تبدیلی و به‌طور کلی آموزش‌های خانه‌داری و مساله آموزش مشارکت و انجام فعالیتهای گروهی برای این قشر از زنان روستایی از رتبه و اهمیت بالایی برخوردار است. پیشنهاد می‌شود با توجه به سطح سواد پایین اعضاء بیشتر به آموزش عمومی و روش‌های آموزش عملی و همچنین، آموزش‌های اولیه مورد نیاز و مطابق با مشاغل و فعالیتهای تولیدی منطقه مورد مطالعه آرایه شود.

۲- یافته‌های تحلیل همبستگی نشان داد صندوق‌هایی که اعضای آن‌ها مشارکت بیشتری داشته و فعال‌تر

بوده‌اند، عملکرد بهتری داشته‌اند. از طرفی بین میزان مشارکت و میزان آشنایی و آگاهی اعضا با قوانین و مقررات صندوق رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. لذا، پیشنهاد می‌گردد بر مساله آموزش مشارکت و انجام فعالیت‌های گروهی بین اعضای صندوق تأکید بیشتری شود و همچنین مدیریت صندوق‌ها مشارکت‌محور باشد.

۳- بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی، از جمله مؤلفه‌های بازدارنده توسعه مشارکت زنان روستایی در صندوق‌های اعتبارات خرد، ناکارآمدی اقتصادی این صندوق‌ها به واسطه مبالغ پایین وام‌های داده شده به اعضا می‌باشد. از این‌رو، توجه به افزایش زمینه‌های توسعه اقتصادی و کارآمدی این صندوق‌ها از جمله؛ افزایش میزان سرمایه‌های از طرف خیرین و اداره ترویج، حمایت سازمان‌های دولتی و غیردولتی (NGO's) مرتبط از صندوق‌های اعتباری، افزایش مبلغ وام‌های اعطا شده به زنان امری ضروری می‌باشد. در این خصوص، پیشنهاد می‌شود با بیان و تشریح اهداف اصلی صندوق‌ها در جهت کاهش فقر و توانمندسازی زنان روستایی در کنار حمایت و مشارکت و توجه بیشتر سازمان‌های دولتی، از حمایت‌های سازمان‌های غیردولتی مرتبط با فعالیت‌های صندوق و همچنین، حمایت نهاد‌های خودجوش محلی و روستایی استفاده شود.

سپاس‌گذاری

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از همکاری و راهنمایی اعضای هیات علمی و دانشجویان گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی در انجام این تحقیق قدردانی کنند.

منابع (References)

- Ahmadvand, M., & Sharifzadeh, M. (2011). Determinants of rural women's social participation, case study: Boyer Ahmad city. *Journal of Women's social psychological studies*, 9(3), 139-166. <https://doi.org/10.22051/JWSPS.2011.1406>, (In Persian).
- Agarwal, S., & Lenka, U. (2016). An exploratory study on the development of women entrepreneurs: Indian cases. *Journal of Research in Marketing and Entrepreneurship*, 18(2), 46-62. 10.1108/JRME-04-2015-0024.
- Anabistani, A., Javan, J., & Ahmadzadeh, S., (2019). Investigating the relationship between women's individual characteristics and their participation in the rural development process, Case study: Derzab village - Mashhad city, *Urban and regional studies and researches*, 3(12), 61-78. https://journals.ui.ac.ir/article_20009.html, (In Persian).
- Annual Report. (2018), Afro-Asian rural development organization. Published by: Afro-Asian Rural Development Organization 2, State Guest Houses Complex, Chanak yapuri New Delhi 110 021, India. <http://www.aardo.org>.
- Azkiya, M., & Imani, A. (2005). the role of microcredits in empowering and creating employment for prisoners have been released: the experience of Agricultural Bank, a collection of articles from the seminar on microcredits for rural development and poverty alleviation. Publisher of Agricultural Bank Economic Research Center. 10.22067/JRRP.V9I1.77704.
- Baransdma, J., & Haret, L. (2020). Making micro finance work better in the Middle East and North Africa. World Bank Institute and private and financial sector development Group, Middle East and North Africa Region, World Bank. Washington D.C. <https://documents.worldbank.org>.
- Corno, F., Lal, R., & Colombo, S. (2014). Entrepreneurship and new venture Creation-Key elements of the entrepreneurial ecosystem facilitating the growth of ICT Entrepreneurs in Italy. *European Scientific Journal*, 2(September), 1857-7881. <https://core.ac.uk/download/pdf/236413228.pdf>.

- Dhekale, V. S. (2016). Performance of women entrepreneurship in India. *International Journal of Management*, 7(1), 123–131. https://iaeme.com/MasterAdmin/Journal_uploads.
- Epo, B. N. (2022). Implications of access to microcredit and social capital for female entrepreneurship in Cameroon. *ICBE-RF Research Report No. 39/12*. <https://www.issuelab.org/resources/34887/34887.pdf>.
- FAO. (2016). Rural development through diversification of jobs and incomes focus on gender-responsive micro finance. Report of the 19th Expert Meeting on Gender and Rural Development, FAO/ECA Working Party on Women and Family in Rural Development. 25-29 September 2006, Pécs, Hungary. <https://www.fao.org/evaluation>.
- Ghanbari, E. (2014). Investigating the components affecting entrepreneurship of rural women. Master Thesis. Faculty of Literature and Humanities. Birjand University. <https://elmnnet.ir/doc/10681896-42341>. (In Persian).
- Handy, F., Kassam, M. & Contact, P. (2024). Women's empowerment in rural India. In *International Society for Third Sector Research Conference*, Toronto Canada, 4 (1), 1-18. <https://citeseerx.ist.psu.edu/document>.
- Kaaria, S., Osorio, M., Wagner, S. & Gallina, A. (2016). Rural women's participation in producer organizations: An analysis of the barriers that women face and strategies to foster equitable and effective participation. *Journal of Gender, Agriculture and Food Security (Agri-Gender)*, 1(302-2016-4754), 148-167. <https://doi.org/10.22004/ag.econ.246035>.
- Kabeer, N. (2018). *Mainstreaming gender in social protection for the informal economy*. Commonwealth Secretariat. London. Commonwealth Secretariat. <http://thecommonwealth.org/>.
- Kalantari, K.H. (2015). *Data processing and analysis in sociometrist research using SPSS software*, University of Tehran Press. <https://www.gisoom.com/book/11273931> (In Persian).
- Khandker, S.H.R. (2015). *Microfinance and Poverty: Evidence Using Panel Data from Bangladesh*. *World Bank Economic Review*. 19 (3), 1-25. doi:10.1093/wber/lhi008.
- Khoshmaram, M., Zarafshani, K., Alibaygi, A.H., Mirakzadeh, A.A. (2017). Exploring the role of social capital in agricultural entrepreneurial opportunity recognition: application of Smart PLS. *International Journal of Agricultural Management and Development*, 7(4), 395-406. <https://doi.org/10.22004/ag.econ.292503>, (In Persian).
- Mehdizadeh, H., Gholami, H., Shiri, N., Khoshmaram, M. (2020). Predicting entrepreneurial opportunity recognition in higher education: a case from Iran. *Journal of Applied Research in Higher Education*, 9 (1), 944 – 960, <https://doi.org/10.1108/JARHE-04-2020-0109>, (In Persian).
- Mirghfoori, A., Zabihi, M. (2009). *Entrepreneurship from theory to practice*. Mashhad Publications: Jahan Farda. 208. <http://agahbooksshop.com>, (In Persian).
- Moghimi Esfandabadi, H., Yadollahi, J., Mobaraki, M.H. & Moghimi Esfandabadi, A.R. (2016). The effect of social capital on opportunity recognition in entrepreneurs as mediated by the social network: a case of managers in the science and technology park of the University of Tehran. *Arabian Journal of Business and Management Review*, 6 (3), 199-210. <https://doi.org/10.4172/2223-5833.1000199>, (In Persian).
- Mohammadi, S., & Mohammad Sharifi, J. (2019). Investigating the effect of barriers to rural women tending to tourism entrepreneurship (Case study: Oraman section of Sarvabad city), *Women in Development and Politics*. 17 (3), 468- 439. <https://www.sid.ir/paper/384740/en>, (In Persian).
- Othman, N., & Nasrudin, N. (2016). Entrepreneurship education programs in Malaysian polytechnics. *Education Training*, 58(7/8), 882–898. <https://doi.org/10.1108/ET-11-2014-0136>.
- Ozgen, E., & Baron, R. A. (2021). Social sources of information in opportunity recognition: Effects of mentors, industry networks, and professional forums. *Journal of Business Venturing*, 22 (1),

- 174–192. <https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2005.12.001>.
- Pruitt, L.R. (2019). Migration, development, and the promise of CEDAW for rural women. *Michigan Journal of International Law*, 30(3), 154-172. <https://repository.law.umich.edu/mjil/vol30/iss3/7>.
- Rezaei, R., & Vedadi, E. (2021). Identification and analysis of obstacles to women's economic participation in the rural areas of Zanzan province (Case study: Abhar rood village). *Iranian Agricultural Economics and Development Research*. 45 (3), 510-501. 10.22059/IJAEDR.2014.53166, (In Persian).
- Sanyang, S. E & Chi Huang, W. (2018), Micro-Financing: Enhancing the role of women's group for poverty alleviation in rural Gambia. *World Journal of Agricultural Sciences*, 4 (6), 665-673, <https://www.researchgate.net/publication/253446441>.
- Schuoler, S. R. & Hashemi, S.M. (1994). Credit program and Women Empowerment and contraceptive use in Rural Bangladesh studies in family planning. 25 (2), 65-76. <https://doi.org/10.2307/2138085>.
- Shane, S., & Nicolaou, N. (2018). Creative personality, opportunity recognition and the tendency to start businesses: A study of their genetic predispositions. *Journal of Business Venturing*, 30 (4), 407–419. 31. <https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2014.04.001> Get rights and content.
- Shariati, F., Khairandish, M., & Mohammadi Khayare, M. (2021). Comparative analysis of women's and men's entrepreneurship. The 4th International Conference on Management, Entrepreneurship and Economic Development, 26 October, Qazvin. <https://civilica.com/doc/836590>, (In Persian).
- Siebel, H.D. (2001). Rural finance for the poor: from unsustainable project to sustainable institution, www.Rural_Finance_For_The_Poor_From_Unsustainable_Projects.
- Sultanva, K. (2019). Microcredit program in Elga NGO - Kyrgyzstan experience. Saadat Institute Publications of the Ministry of Jihad and Agriculture Vice Promotion - Office of Women's Affairs. <https://openknowledge.fao.org>.
- Tripathi, N., Seppänen, P., Boominathan, G., Oivo, M., & Liukkunen, K. (2019). Insights into startup ecosystems through exploration of multi-vocal literature. *Information and Software Technology*, 105 (3), 56–77. <https://doi.org/10.1016/j.infsof.2018.08.005>.
- Westover, J. (2018). the record of microfinance: the effectiveness/ ineffectiveness of microfinance programs as a means of alleviating poverty. *Electronic Journal of Sociology*. 23 (2), 51-76. <https://www.researchgate.net/publication/47706389>.
- Women and Youth Entrepreneurship Development Foundation. (2016). Investigating the status of women entrepreneurs in Iran and suggestions for its development. Prepared in the Women and Youth Entrepreneurship Development Foundation of the National Association of Entrepreneurial Women. <https://foundationed.ir>.
- World Bank Group, (2016). Gender and Development. Rural women and development. <https://www.assisi.org.au/pages/category>
- World Bank Group (2023). Annual report for women labor. <https://documents1.worldbank.org/curated/en/099108512192312732/pdf>.